

تحولات حقوقی پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در ۲۰ سال گذشته ارتباط جدایی‌ناپذیری با مسائل سیاسی داشته است. در بسیاری از حوزه‌ها اگر نگاه جامع سیاسی به مسائل نداشته باشیم، در درک تحولات حقوقی موضوع دچار مشکل خواهیم شد. بعد از سال ۲۰۰۲ که پرونده هسته‌ای ایران در سطح بین‌المللی به صورت جدی مطرح شد، مذاکرات مختلفی صورت گرفت و در انتها به بیانیه سعدآباد، تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی و امضای توافق‌نامه بروکسل و پاریس انجامید. ایران که بعد از توافق‌نامه پاریس در سال ۲۰۰۴ هیچ‌گونه اقدام مؤثری در اجرای تعهدات اروپایی‌ها مشاهده نکرد، در اواخر دولت هشتم، در سال ۲۰۰۶ اقدام به ازسرگیری فعالیت‌های هسته‌ای نمود. بعد از مدتی پرونده کشور ایران به شورای امنیت ارجاع و از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ شش قطعنامه علیه کشور ما صادر شد. با امضای توافق‌نامه برجام میان ایران و کشورهای ۵+۱ و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ در شورای امنیت تمامی قطعنامه‌های قبل از این قطعنامه علیه کشور ما به حالت تعلیق درآمد.

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که حاصل ماه‌ها مذاکره در سطوح بالای سیاسی بود، از همان روزهای ابتدایی با نقدهای جدی در حوزه‌های حقوقی و سیاسی مواجه شد. یکی از نقدهای وارده که در روزهای اخیر و به واسطه اقدامات دولت آمریکا دوباره در محافل حقوقی و سیاسی مطرح می‌شود، سازوکار چندمرحله‌ای رسیدگی و حل و فصل اختلافات طرفین در برجام است. در ادامه ابتدا سازوکار حل و فصل اختلافات

۹۹ برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که حاصل ماه‌ها مذاکره در سطوح بالای سیاسی بود، از همان روزهای ابتدایی با نقدهای جدی در حوزه‌های حقوقی و سیاسی مواجه شد. یکی از نقدهای وارده که در روزهای اخیر و به واسطه اقدامات دولت آمریکا دوباره در محافل حقوقی و سیاسی مطرح می‌شود، سازوکار چندمرحله‌ای رسیدگی و حل و فصل اختلافات طرفین در برجام است. ۶۶

در برجام را با نگاهی حقوقی بررسی خواهیم کرد و سپس ادعاهای آمریکا را در رابطه با بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت ارزیابی می‌کنیم.

سازوکار حل و فصل اختلافات در برجام

بر اساس بند ۳۶ و ۳۷ برجام اگر یکی از اعضا ادعا کند که ایران نقض فاحشی در برجام انجام داده است، به این ادعا باید رسیدگی شود؛ بدون اینکه نیاز به دلیل و مستند قاطعی داشته باشد. ادعا ظرف مدت ۱۵ روز در کمیته‌ای مشترک از کارشناسان (در سطح معاونان وزرا) مطرح می‌شود تا موضوع را حل کنند و در صورتی که کشور شاکی قانع نشود، موضوع ظرف مدت ۱۵ روز در اجلاس وزیران امور خارجه هفت کشور بررسی می‌شود. در این سازوکار هیچ‌گونه داورى در کار نیست و کشور شاکى به راحتی می‌تواند با اغراض سیاسى مدعى شود که راضى نشده و نقض اساسى در برجام رخ داده است. اگر کشور شاکى به هر دلیلى بر ادعای خود اصرار کند، موضوع به شورای سه نفره‌ای متشکل از کشور شاکى، ایران و یک عضو مستقل ارجاع داده می‌شود و این شورای سه نفره بیانیه غیر الزام‌آوری را صادر می‌کند. بعد از اجلاس شورای سه نفره ظرف مدت ۳۰ روز اگر قطعنامه‌ای صادر نشود و ادامه تعلیق تحریم‌ها را تمدید نکند، همه تحریم‌های قبلی بازمی‌گردد.^۱

۱- ماده ۳۶ برجام: چنانچه ایران معتقد باشد که هر یک یا کلیه گروه ۵+۱ تعهدات خود را رعایت ننموده‌اند، ایران می‌تواند موضوع را به منظور حل و فصل به کمیسیون مشترک ارجاع نماید؛ به همین ترتیب، چنانچه هر یک از اعضای گروه ۵+۱ معتقد باشد که ایران تعهدات خود را رعایت نکرده است، هر یک از دولت‌های گروه ۵+۱ می‌تواند اقدام مشابه به عمل آورد. کمیسیون مشترک ۱۵ روز زمان خواهد داشت تا موضوع را فیصله دهد، مگر اینکه این زمان با اجماع تمدید شود. متعاقب بررسی کمیسیون مشترک، چنانچه هر عضو معتقد باشد که موضوع پایبندی فیصله نیافته است، می‌تواند موضوع را به وزیران امور خارجه ارجاع دهد. وزیران ۱۵ روز خواهند داشت تا موضوع را فیصله دهند، مگر اینکه این زمان با اجماع تمدید شود. پس از بررسی کمیسیون مشترک-هم‌زمان با (به جای) بررسی در سطح وزیران-خواه عضو شاکى یا عضوی که اجرای تکالیفش موضوع بوده است می‌تواند درخواست نماید که موضوع توسط یک هیئت مشورتی متشکل از سه عضو (یکی از سوی

با توجه به بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام رکن اصلی سازوکار حل و فصل اختلافات کمیسیون مشترک است. کمیسیون مشترک برجام هر سه ماه یک‌بار به صورت عادی یا در هر زمان علاوه بر این سه ماه به درخواست یکی از اعضای برجام برگزار می‌شود. کمیسیون مشترک برجام وظیفه

هر یک از طرف‌های درگیر در اختلاف و طرف سوم مستقل) بررسی شود. هیئت مشورتی باید نظریه غیرالزام‌آوری را در خصوص موضوع پایبندی ظرف ۱۵ روز ارائه نماید. چنانچه، متعاقب این فرایند ۳۰ روزه موضوع فیصله نیابد، کمیسیون مشترک در کمتر از ۵ روز نظریه هیئت مشورتی را با هدف فیصله موضوع بررسی خواهد کرد. چنانچه موضوع کاملاً به نحو مورد رضایت طرف شاکى فیصله نیافته باشد و طرف شاکى معتقد باشد موضوع، مصداق «عدم پایبندی اساسی» است، آنگاه آن طرف می‌تواند موضوع فیصله‌نیافته را به عنوان مبنای توقف کلی یا جزئی اجرای تعهداتش وفق برجام قلمداد یا به شورای امنیت سازمان ملل متحد ابلاغ کند که معتقد است موضوع مصداق «عدم پایبندی اساسی» به شمار می‌آید.

ماده ۳۷ برجام: متعاقب دریافت ابلاغ طرف شاکى، به نحو مشروح در بالا، به همراه توضیحی از تلاش‌های توأم با حسن نیت آن طرف برای طی فرایند حل و فصل اختلاف پیش‌بینی‌شده در برجام، شورای امنیت سازمان ملل متحد باید منطبق با رویه‌های خود در خصوص قطعنامه‌ای برای تداوم لغو تحریم‌ها رأی‌گیری کند. چنانچه این قطعنامه ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ به تصویب نرسد، سپس مفاد قطعنامه‌های سابق شورای امنیت سازمان ملل متحد دوباره اعمال خواهد شد، مگر اینکه شورای امنیت سازمان ملل متحد به نحو دیگری تصمیم‌گیری کند. در این صورت، این مفاد در خصوص قراردادهایی که بین هر طرف و ایران یا افراد و نهادهای ایرانی قبل از تاریخ اعمال آن‌ها امضا شده باشد، دارای اثر عطف به ما سبق ندارد؛ مشروط بر اینکه فعالیت‌های صورت گرفته وفق اجرای این قراردادها منطبق با این برجام و قطعنامه‌های قبلی و فعلی شورای امنیت باشد. شورای امنیت سازمان ملل متحد، با ابراز نیت خود برای تصمیم‌گیری مبتنی بر ممانعت از اجرای دوباره و خودکار تدابیر در صورتی که ظرف این مدت موضوعی که موجب ابلاغ فوق شده است حل و فصل شده باشد، دیدگاه‌های طرف‌های اختلاف و هرگونه نظریه صادره توسط هیئت مشورتی را ملحوظ خواهد داشت. ایران بیان داشته است که چنانچه تحریم‌ها جزئی یا کلاً دوباره اعمال شوند، این امر را به منزله زمینه‌ای برای توقف کلی یا جزئی تعهدات خود وفق این برجام قلمداد خواهد کرد.